

شخصیت نمادین امام حسین (ع) در شعر شریف مرتضی

صابره سیاوشی^۱

استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مولا شکاری میر

دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

(۱۲۵-۱۴۶)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۳/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۸/۲۱

چکیده

واقعه عاشورا حماسه ای بی نظیر در تاریخ بشری است که نام آن یادآور آزادگی و ظلم ستیزی امام حسین(ع) است. شخصیت امام حسین(ع) فراتر از مذهب تشیع و اسلام است. در ادوار مختلف شاعران شیعه در رثای امام حسین اشعار عربی فراوانی سروده‌اند. شریف مرتضی فقیه والا مقام شیعی از جمله افرادی است که بیشتر اشعار رثائی خود را به امام حسین(ع) اختصاص داده است. شعر شریف مرتضی در رثای امام(ع) خالی از تکلف و آکنده از عاطفه صادقانه و عشق ناب او به اهل بیت(ع) است. در این جستار به آن دسته از اشعاری که شریف مرتضی درباره واقعه عاشورا و صفات و ویژگیهای فردی و اجتماعی امام حسین (ع) سروده پرداخته شده است و در پایان نتایج پژوهش با عنوان نمادهای فردی و اجتماعی شخصیت امام (ع) در نگاه شریف مرتضی و تصویر عاطفی شخصیت وی در این اشعار در قالب نمودارهای دایره‌ای و ستونی و با تکیه بر آمار تحلیلی و توصیفی در اختیار خوانندگان محترم قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: شعر عربی، رثا، شریف مرتضی، امام حسین (ع).

۱. پست الکترونیک نویسنده مسؤل: saberehsiaivashi@yahoo.com

۱. مقدمه

تراژدی عاشورا اگر چه در محیطی عربی اتفاق افتاد و قهرمانان آن شخصیت‌های عربی هستند اما امام حسین علیه السلام شخصیتی فراملیتی است. شهادت و مصائب مربوط به آن حضرت، احساسات و عواطف شاعران را برانگیخته و از آغاز تا کنون در ادبیات ملل مختلف و به ویژه در ادوار گوناگون ادبیات عربی انعکاس یافته است. شعر حسینی با اندوه و درد از یک سو و خروش نهفته در خود از سوی دیگر، توانسته است جایگاهی والا و ارزشمند در شعر عربی به خود اختصاص دهد. شاعران شیعه توانسته‌اند با اشعار خود روح حماسی و اهداف سیاسی و اجتماعی حادثه کربلاء را در دوره‌های مختلف ملموس و محسوس سازند. از جمله شاعران شیعه مذهب که در مورد واقعه جانگداز کربلاء شعر سروده‌اند شریف مرتضی است. شریف مرتضی شاعر عقیده است. رثاء بیشتر اشعار وی را در بر می‌گیرد. بیشتر سوگ سروده‌های وی در رثای امام حسین علیه السلام است. این اشعار در مجموع ۶۹۶ بیت در قالب ۱۴ قصیده و در بحر رمل، وافر، طویل، سریع، کامل، بسیط و خفیف سروده شده است.

۱-۱ سوالات اصلی:

- ۱- در منظومه فکری شریف مرتضی، امام حسین (ع) سمبل چه مؤلفه‌هایی است؟
- ۲- ویژگی‌هایی که سید مرتضی برای حضرت قائل است فردی است یا اجتماعی؟
- ۳- فراوانی و تنوع این ویژگی‌ها از نظرگاه آمار تحلیلی و توصیفی چگونه است؟

۱-۲ روش کار:

شیوه کار به صورت توصیفی- تحلیلی است؛ بدین معنا که ابتدا فیش برداری و جمع آوری مطالب و سپس دسته بندی آنها بر اساس موضوع مقاله، و بعد نوشتن آن با سعی در رعایت صحت در انتقال مطالب همراه با ارجاعات درست انجام گرفته است. ترتیب نوشتار بدین قرار است: زندگی، آثار، تعریف رثاء، اقسام آن، مرثیه سرایی نزد شریف مرتضی و تحلیل آن، نمودار ستونی و دایره‌ای خصوصیات فردی و اجتماعی امام حسین در شعر سید مرتضی، تصویر عاطفی شخصیت امام (ع) در این اشعار، نتیجه گیری، کتابنامه و در نهایت چکیده انگلیسی.

۱-۳. پیشینه تحقیق:

تا کنون درباره اشعار عاشورایی کارهای زیادی انجام شده است. از جمله کتاب "امام حسین در شعر معاصر عربی" خانم دکتر انسیه خزعلی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳ش؛ و نیز کتاب "عاشورا در آئینه شعر معاصر" خانم دکتر نرگس انصاری، نشر مجتمع فرهنگی عاشورا، ۱۳۹۰ش؛ و نیز مقاله‌ای از وی در مجله ادبیات تطبیقی کرمان شماره سوم سال دوم زمستان ۱۳۸۹ش؛ و همچنین مقاله‌ای از خانم دکتر معصومه شبستری و صابره سیاوشی تحت عنوان "امام حسین در شعر شریف رضی که در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، شماره ۱۸۶-۳ دوره ۵۹ تابستان ۱۳۸۷ به چاپ رسیده است، هرچند همه این پژوهش‌ها با محوریت امام حسین و اشعار عاشورایی شاعران گوناگون انجام پذیرفته است، اما هیچ یک به جایگاه امام (ع) در شعر شریف مرتضی نپرداخته‌اند. شاید سبب این باشد که سید مرتضی بیشتر به عنوان یک فقیه طراز اول و بنیان گذار فقه شیعی شناخته شده تا یک شاعر مشهور. نویسندگان در این جستار به دنبال رونمایی - هر چند اندکی - از این سرمایه مهجور ادبی هستند که با در برداشتن بیست هزار بیت جای پژوهش و کار فراوان دارد.

۲. زندگانی:

شریف مرتضی علی بن شریف، احمد بن حسین بن موسی الأبرش بن محمد بن الأعرج بن موسی بن ابراهیم بن المرتضی بن موسی الکاظم (ع) بن جعفر الصادق بن محمد باقر بن علی زین العابدین بن حسین بن علی بن ابی طالب (ع) است. (الثعالبی، ۱۳۷۷هـ، ج ۳، ص ۱۵۵). وی در محله باب المحمول از توابع کرخ در بغداد به سال ۳۵۵/۹۹۶م - چهار سال پیش از برادرش سید رضی - دیده به جهان گشود. از همان کودکی آثار نبوغ و برازندگی بر پیشانی‌اش هویدا بود (ابن جوزی، ۱۳۵۷هـ، ج ۷، ص ۱۱۸). او از خاندانی اصیل و از سادات هاشمی و آل ابی طالب است نسب پدرش با پنج واسطه به موسی بن جعفر (ع) امام هفتم شیعیان امامی می‌رسد مادرش نیز از نوادگان امام سجاد (ع) است. (جعفری، ۱۳۷۸، ص ۲۲) پدر او مورد احترام علویان عراق بود و از

روزگاران دور نقابت طالبیان، امیری حج را بر عهده داشت (التعالی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۵۵). وی به القاب سید، شریف، مرتضی، ذی‌المجدین، علم‌الهدی و علامه‌المفسرین معروف است (خوانساری، ۱۳۵۶، ص ۳۸۳). شریف مرتضی به زهد تمایل داشت اما در مذهب خود افراط گرا نبود و در آراء فقهی به ادله عقلی روی می‌آورد و به کتاب خدا و سنت پیامبر استناد می‌کرد (دوانی، ۱۳۵۹، ص ۱۹). او نیز همچون برادر، مناصب بسیاری را تجربه کرد اما بر خلاف وی به خلافت و مشاغل حکومتی طمع نمی‌ورزید شریف مرتضی دارای تألیفات بسیاری در فقه، اصول، کلام، تفسیر، ادب و شعر است که بیشتر آن‌ها از میان رفته است. مشهورترین تألیفات باقی مانده از وی به شرح زیر است:

۱. آمالی المرتضی (درر القلائد و غرر الفوائد)

۲. إنقاذ البشر من القضاء والقدر

۳. کتاب الطیف والخیال یا طیف الخیال

۴. تفسیر قصیده سید حمیری معروف به القصیده المذهبه

۵. کتاب التنزیه

۶. الشافی فی الإمامة

۷. الذریعة فی أصول الفقه

۸. الشهاب فی الشیب والشباب

۹. مسائل الناصریات

۱۰. المسائل الموصلیة

۱۱. المسائل الطرابلسیة

۱۲. تفسیر سورة حمد و تفسیر ۱۲۵ آیه از سورة بقره (الأمین، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۲۱۹)

۱۳. دیوان شعر مشتمل بر بیست هزار بیت

شریف مرتضی بیشتر یک فقیه است تا شاعر و جنبه فقهی و دینی آثارش از بعد ادبی آن وزین‌تر و پر رنگ‌تر است. سرانجام این دانشمند کم‌نظیر که به اعتراف همه نویسندگان شیعه و سنی یگانه روزگار خود بود در سال ۴۳۶ هجری در سن هشتاد

سالگی در بغداد دار فانی را وداع گفت ابتدا در خانه‌اش به خاک سپرده شد. سپس به کربلا منتقل شد و در جوار نیاکان و برادرش سید رضی و جدش ابراهیم بن موسی بن جعفر علیهم السلام به خاک سپرده شد. (ابن عنبه، ۱۳۷۵، ص ۱۱۷)

۳. واژه شناسی رثا:

رثاء: از ماده "رَثَى" و "یا" رَثَوُ" گرفته شده و مصادر گوناگونی دارد که از آن جمله است: "مَرثاة، مَرثیة، رثایة و رَثو". این واژه در لغت به معنی گریه و زاری بر مرده و همچنین ذکر خوبی‌ها و صفات پسندیده اوست. (ابن منظور، ۱۹۵۵، ص ۱۴۹ و ر. ک: الجوهری الفارابی، ۱۹۹۹، ج ۵، ص ۱۸۷۶ الزبیدی، ۲۰۰۲، ج ۱، ص ۱۲۳). و همچنین ذکر نیکی‌ها و بزرگواری‌های شخص در گذشته و اظهار ضعف و بی‌قراری از فقدان میت و بزرگ داشت مصیبت‌های اوست (الهاشمی، ۱۹۴۳، ص ۵۷). رافعی در کتاب «تاریخ ادبیات عرب» در مورد رثاء می‌گوید: رثاء ذکر است که نشان می‌دهد شخصی مرده است و معمولاً اموری چون اندوه، حسرت و تأسف همراه با ذکر صفات و حالت گریه و زاری را بیان می‌کند (الرافعی، ۲۰۰۵، ص ۷۲). قیروانی در کتاب "العمدة" می‌گوید: تفاوت میان رثاء و مدح این است که در رثاء هنری به آن اضافه می‌شود تا مشخص شود منظور و مقصود سراینده شعر، شخص در گذشته است. (القیروانی، ۱۹۸۱، ج ۲، ص ۱۴۶). اعتقاد برخی بر آن است که اندوه و تأثر بر گذشته و مجد و شکوه از دست رفته و نیز آثار ویران و شهرهای مخروبه نیز از جمله رثاست. پس سوگ سعدی بر ویرانی بغداد نیز نوعی مرثیه است. دکتر زرین کوب حبسیات را نیز زیر مجموعه رثا می‌داند. (زرین کوب، ۱۳۷۱، ص ۱۵۵).

۳-۱. اقسام رثا:

رثا اقسام گوناگونی دارد. در یک تقسیم بندی اقسام رثا به این قرار است:

- مرثی درباری: در اظهار تأسف از مرگ سلطان، وزیر و...
- مرثی شخصی: در سوگ اعضای خانواده، یاران و دوستان.
- مرثی فلسفی: در کوتاهی عمر، بی وفایی دنیا و پایان ناگوار زندگی.
- مرثی داستانی: سوگ شخصیت های داستانی مثل سیاوش در شاهنامه.

- مرثی مذهبیه: همانند رثای امام حسین و دیگر اعضای خاندان پیامبر.

(مردانی، ۱۳۸۱، صص ۴۸ تا ۵۱ با تلخیص و تصرف)

مرثیه‌های مذهبی در رثای بزرگان دینی سروده می‌شوند که در ادبیات اسلامی - شیعی حجم عظیمی از آن‌ها به شهادت حسین بن علی (ع) اختصاص دارد که به "مرثیه‌های عاشورایی" شهره است. تاریخ در سوگ هیچ انسانی از آدم تا خاتم، به اندازه شهادت حسین (ع) مرثیه ندیده است. این شعر بدون هیچ چشم داشتی به صله یا جایزه سروده می‌شود از این رو «شاید بتوانیم این شعر را، شعر احساس و حقیقت بنامیم، احساسی که حاصل غلیان درونی است. شاعر عاشورایی در نقش یک «دراماتورژیک» ایفای نقش می‌کند با این تفاوت که شخصیت‌های او شخصیت‌های حقیقی و مذهبی هستند». (آذر، ۱۳۸۱، ص ۲۸). رثای شیعی گاه از حیث محتوا و مضامین و آهنگ‌ها، گاه به سبب انگیزه‌ها و مقاصد، و زمانی به جهت سرگذشت‌های تاریخی و نحوه برخورد حکومت‌ها با آن، ویژگی خاصی به خود می‌گیرد. (کرمی، ۱۳۸۹، ص ۱۷)

۲-۳. مرثیه سرایی شریف مرتضی

با نگاهی گذرا به جریان سوگ سرایی در شعر سید مرتضی می‌توان اقسام زیر را برای آن برشمرد:

- مرثی تقلیدی به پیروی از عصر جاهلی.

- مرثی فلسفی در بیان گذرا بودن عمر و بی ارزشی دنیای فانی.

- مرثی مذهبی در رثای امام حسین (ع) و یارانش.

- مرثی فکری و مکتبی: در سوگ هم فکران شاعر همچون: نقیب العباسیین احمد بن علی الکاتب، محمد بن علی الزینبی و برخی علویان مثل الأقساسی العلوی، ابن شجاع الصوفی و شیخ مفید.

- مرثی خانوادگی که از آن جمله است: رثای برادرش شریف رضی، داییش احمد بن حسن الناصر و نیز دختر، خواهر و پسر عمویش.

- مرثی سیاسی: که بیشترین میزان آن متعلق به خلیفه عباسی القادر بالله و پس از او بهاء الدوله، شرف الدوله، الملک قوام الدین، وزیر مجدالدین و... است.

وصف احوال درونی شاعر در بیشتر مرثیه‌های مذهبی شریف مرتضی سخن از اشک و آه است. این اشک گاه خونین است و گاه بارانی است که بر آتش درون شاعر می‌بارد و ظلم یزید و همراهانش در قیام عاشورا را به تصویر می‌کشد. شاعر از هر فرصتی برای ابراز حزن و اندوه خود بهره می‌گیرد و معمولاً با استفاده از صنعت تشخیص روز عاشورا را مخاطب قرار داده و او را ملامت و سرزنش میکند و آنچه بر اهل بیت (ع) وارد آمده است را مویه کنان بیان می‌کند:

یا یومَ عاشورَ کم طَاطَأتَ من بصر
بعد السموّ وکم أذَلتَ مِن جِید
(دیوان، ج ۱، ص ۴۳۷)

- هان ای روز عاشورا چه بسیار چشمانی را که در آغاز به بلندی‌ها می‌نگریستند، به زیر افکندی. و چه بسیار گردن‌ها را که افراشته بودند، خوار و ذلیل نمودی.

یا یومَ عاشورَ کم أطردتَ لی أملاً
قد کان قبلک عندی غیرَ مطرودٍ
(همان، ص ۴۳۷)

- چه بسیار از آرزوهایم را که آن روزها قبل از تو (روز عاشورا) برایم مهیا و قابل دسترسی بود، نابود گردانیدی.

یا یومُ أيُّ شجیِّ بمثلک ذاقه
عُصَبُ الرّسولِ و صفوّة الرّحمن
(دیوان، ج ۲، ص ۵۶۰)

- هان ای روز عاشورا! خاندان پیامبر و برگزیدگان پروردگار چه مصیبتی را به سان مصیبت تو چشیدند.

او علاوه بر بازسازی صحنه‌های کارزار کربلا در برابر دیدگان مخاطب، به هجو ستمگران و رسوایی ایشان و افشای ماهیت آنها می‌پردازد. شاعر، آنها را ستمگران ترسویی می‌داند که تا هنگامی که قدرت ندارند به آشتی و صلح دروغین تن می‌دهند و مادام که قدرت یابند آتش جنگ را بر می‌افروزند.

لعن اللّهُ رجالاً
أترعوا الدنیا عُصوباً
سالموا عجزاً فلماً
قدروا شتوا الحروباً
(دیوان، ج ۱، ص ۲۱۴ و ۲۱۵)

- خداوند لعنت فرستد مردانی را که دنیا را پر از زور و تجاوز نمودند.

- ایشان از روی ناتوانی دست به مسالمت و آشتی می‌زنند و آن هنگام که قدرت یابند، آتش جنگ را بر می‌افروزند.

شاعر، قاتلان فرزند پیامبر را این گونه نفرین می‌کند:

و لا عرفت رؤسکم ارتفاعاً
و لا ألفت قلوبکم اغتباطاً
و لا غفر الإله لکم ذنباً
و لا جزتم هنالکم الصراطاً

(دیوان، ج ۲، ص ۳۸)

- امید که هیچ گاه سربلندی نیابید و دل‌هایتان به شادمانی خوگر نشود.
- و خداوند گناهان شما را نبخشاید و نتوانید از پل صراط به سلامت بگذرید.
کینه این افراد با گذشت چندین قرن از حادثه کربلا نه تنها در وجود شاعر به خاموشی نگراییده است بلکه روز به روز شعله‌ورتر می‌شود به گونه‌ای که آتش انتقام را در دل می‌پرورد و آنها را به انتقام و خونخواهی تهدید می‌کند:

و ظننتم طولَ المدی
یَمحو القلوبَ من التراتِ
هیئاتَ إنَّ الصَّغْنَ تو
قِدُهُ اللَّیالی بِالْعَدَاةِ
لا تَأمنوا عَصَّ التَّوَا
ظَر مِن قلوبِ مُرصداتِ
إنَّ السَّیوفَ المَعْرِیا
تِ مِن السَّیوفِ المُغَمَداتِ

(دیوان، ج ۱، ص ۲۹۳)

- آیا گمان می‌کردید که گذر زمان قلب‌ها را از خونخواهی پاک می‌کند؟
- هرگز این گونه نیست. حوادث و جنگ‌ها، بامدادان آتش کینه را بر می‌افروزند.
- شما از چشم زخم صاحبان دل‌هایی که در کمین شما هستند در امان نخواهید بود.
- شمشیرهای آخته از شمشیرهای در نیام، بیرون می‌آیند.
او آینده را از آن دوستداران حسین (ع) می‌داند و نابودی قاتلان او را پیش‌بینی کرده و می‌گوید:

حَتَّى یَعودَ الحَقُّ یَقَـ
سَظاناً لَنَا بعدَ السَّناتِ
و لکم اُتی مِن فُرَجَةٍ
قَد کان یُحسبُ غیرَ آتِ

(همان، ص ۲۹۴)

- تا اینکه پس از گذر سالیان حق بیدار می‌شود.

- و روزگاری بر شما فرا می‌رسد، که گمان می‌رفت هیچ گاه بر شما سپری نشود.
و نیز در جای دیگر می‌گوید:

و يُقْبَلُ الأَمْرَ الَّذِي أَدْبَرَا فَيَرْجِعُ الْحَقُّ إِلَى أَهْلِهِ
(همان، ص ۴۸۹)

- حق به صاحبان آن بازمی‌گردد و امری که سپری شده بود باز می‌گردد.
او به سرزنش مردم آن روزگار و انتقاد از ایشان به سبب عافیت طلبی و ساحل نشینی
از طوفان کربلا و عدم یاری امام زمان پرداخته و بیان می‌دارد:

و لا اتَّاشَبُهُمْ عِنْدَ الْمَكَارِهِ مُنْهَضٌ و لا مَسْتَهْمٌ يَوْمَ الْبَلَاءِ جَزَاءُ
(همان، ص ۱۶۰)

- به هنگام سختی‌ها (حوادث کربلا) با بی‌اعتنایی از کنار حوادث می‌گذرند و در روز
قیامت نیز پاداشی به آنها نمی‌رسد.
و نیز می‌گوید:

و غَرَّكُمْ بِالْجَهْلِ إِمهَالِكُمْ و إِنَّمَا اغْتَرَّ الَّذِي غُرِّرَا
(همان، ص ۴۸۸)

- درنگ شما که از روی نادانی بود شما را فریفت و شخص خام و بی‌دقت فریب
می‌خورد.

سید مرتضی در مرثی خود در هر فرصتی به گریستن و گریاندن مخاطب می‌پردازد.

فَمَا لَكَ مَنِّي الْيَوْمَ إِلَّا تَلَهُفٌ و مَا لَكَ إِلَّا زَفْرَةٌ وَ بَكَاءُ
و هَلْ لِي سُلْوَانٌ وَ آلٌ مُحَمَّدٍ شَرِيذُهُمْ مَا حَانَ مِنْهُ ثَوَاءُ
(همان، ص ۱۵۹)

- امروز من برای تو چیزی جز اندوه و حسرت ندارم و کار تو نیز تنها گریه و آه است.
- آیا می‌توانم آسوده باشم درحالی که آوارگان خاندان پیامبر هنوز درجایی سکنا
نگزیده‌اند. (هماره تحت تعقیب و آزارند.)

نوحوا عليه فهذا يومٌ مصرعه و عَدَدُوا إِنَّهَا أَيَّامٌ تَعْدِيدِ
فَلِي دُمُوعٌ تُبَارِي الْقَطَرَ وَ اكْفَى جَادَت وَ إِن لَّمْ أَقْلُ يَا أَدْمَعِي جُودِي
(همان، ص ۴۳۹)

- بر حسین بگریید چرا که امروز روز کشته شدن اوست و مناقب او را ذکر کنید چون امروز روز برشمردن نیکی‌های اوست.

- مرا اشک‌هایی ریزان است که بر باران برتری می‌جوید و اگر هم به آنها نگویم که جاری شوید، خود به خود فرو می‌ریزند.

بکیتها من ادمع لو اَبْت بکیتها واقعةً من دم

(دیوان، ج ۲، ص ۴۸۲)

بر حادثه جانسوز عاشورا اشک‌هایی ریختم که اگر روزی این اشک‌هایم تمام شود، خون خواهم گریست.

حتی دیدن آب هم داغ سید را تازه و اشک‌های او را بر گونه روان می‌سازد:

أَسْقَى نَمِيرَ الْمَاءِ ثُمَّ يَلْدُ لِي وَ دُورُكُمْ أَلَّ الرَّسُولَ خِلَاءُ

(دیوان، ج ۱، ص ۱۵۹)

آیا من آب گوارا بنوشم و آن آب در نظر من لذت بخش باشد درحالی که ای خاندان پیامبر خانه‌های شما خالی از سکنه است؟

این اشک روان سیلابی از خون دل است که بر گونه‌های او جاری می‌شود:

فَلَيْسَ دُمُوعِي مِنْ جُفُونِي وَإِنَّمَا تَقَاطِرُنْ مِنْ قَلْبِي فَهِنَّ دُمَاءُ

(همان، ص ۱۶۰)

این اشک‌ها از دیدگان جاری نمی‌شود بلکه این اشک‌ها خونی است که از قلب من جریان می‌یابد.

اما او تنها در پی اشک و آه و سبک کردن غم خویشتن و دیگر شیعیان نیست. این گریه هدف‌دار و آمیخته با اندیشه و تفکر است. همان تفکری که ارزش آن والاتر از هفتاد سال عبادت است.

بر اساس همین فرهنگ است که گریه بیشتر برای شهیدان توصیه شده؛ آن هم برای زنده نگه داشتن یاد و خاطره ایشان در طول زمان. (جتی فر، ۱۳۸۵، ص ۳۳)

۴- شخصیت نمادین امام حسین (ع) در شعر شریف مرتضی:

اگر بخواهیم به بررسی خصوصیات امام حسین (ع) در شعر شریف مرتضی پردازیم باید نخست این خصوصیات را بررسی کرده و آنها را به دو گروه فردی و اجتماعی تقسیم کنیم.

شخصیت امام حسین (ع) از دیدگاه شاعران گوناگون نماد اموری متفاوت است. این نمادها را می‌توان به دو دسته فردی و اجتماعی تقسیم کرد. از جمله نمادهای مزبور که در ادبیات بکایی و در عین حال حماسی شریف مرتضی نمود پیدا کرده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۴-۱ نمادهای فردی: ظلم ستیزی، شجاعت، مظلومیت، تنهایی، غربت، ادب، تشنگی، صبر و استقامت.

۴-۲ نمادهای اجتماعی: حماسه، ایثار، دستگیری، هدایتگری، رهبری و امامت، فداکاری، عشق، نجات بخشی.

که البته مظلومیت خود شامل چندین زیرشاخه می‌شود که از آن جمله است: غربت، تنهایی و بی کسی، تشنه لبی، حزن و اندوه و محرومیت از حقوق خود.

در ادامه به برخی از این موارد می‌پردازیم:

۴-۱-۱- ظلم ستیزی و ابا: ظلم ستیزی و ابا از بارزترین نمادهای قیام امام (ع) است. ادبا و اندیشمندان تاریخ از عصر عاشورا تاکنون در برابر سازش ناپذیری و استقامت امام (ع) کرنش کرده‌اند و برخی شخصیت حضرت را نماد زیر بار نرفتن و ابا دانسته‌اند (خزعلی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۰).

شریف مرتضی در این باره می‌گوید:

عافوا القرارَ و لیس غیرُ قرارهم أو بردهم موتاً بحدّ طعانِ

(دیوان، ج ۲، ص ۵۶۰)

ترجمه: تصمیم قاطع گرفته بودند که جز با ضربه سرنیزه و در میدان کارزار - در راه خدا - نمیرند

أَوَمَا رَأَيْتَ قِرَاعَهُمْ وَدِفَاعَهُمْ؟ قدماً وقد أعرؤا من الأعوانِ

(همان جا)

ترجمه: آیا تو جنگاوری و ظلم ستیزی آنها را ندیدی؟ در حالی که یارانشان از گرد آنان پراکنده شده بودند

و در جایی دیگر درباره مقاومت در برابر ظلم میگوید:

و دعونا فرأوا منّا علی البعد مجیباً

(دیوان، ج ۱، ص ۲۱۵)

- ایشان ما را به دادخواهی فراخواندند و دیدند که ما با وجود دوری و فاصله زیاد به یاری ایشان شتافتیم.

۴-۱-۲. شجاعت: شجاعت و دلاوری یکی دیگر از فضائل و محاسن امام (ع) است که شریف مرتضی در بیان این ویژگی، میگوید:

متزاحمینَ علی الرّدى فی موقفِ حُشِي الطُّبى و أسنّة المُرانِ
ما إن به إلا الشّجاعُ وطائرٌ عنه حذار الموت كلُّ جبانِ

(دیوان، ج ۲، ص ۵۶۱)

ترجمه: آن بزرگ مردان در آن موقعیت که ملامت از تیغ شمشیر و سرنیزه‌های چالاک و جهنده بود برای جنگیدن و کشته شدن به صف ایستاده بودند و مشتاقانه به سوی مرگ می‌رفتند.

و کسی جز دلیر مرد توان این کار را ندارد و انسان ترسو به جهت ترس از مرگ از آن می‌گریزد.

۴-۱-۳. مظلومیت امام حسین که خود به مواردی از جمله: تنهایی، بی کسی، تشنه لبی، حزن و اندوه، و محرومیت از حق تقسیم می‌شود.

۴-۱-۳-۱. پرداختن به جنبه مظلومیت از شخصیت امام، همدردی و تألم مخاطب را برانگیخته و جنبه گریه آور و سوزناک شعر عاشورایی را بیشتر می‌کند. شریف مرتضی تشنگی و عطش امام را یکی از نشانه‌های مظلومیت ایشان دانسته است

تُذَادُونَ عَنِ مَاءِ الْفِرَاتِ وَكَارِعُ
به إِبِلٍ لِلْغَادِرِينَ وَشَاءُ

(دیوان، ج ۱، ۱۵۹)

- سید مرتضی خطاب به امام حسین و یارانش می‌گوید: از نوشیدن آب فرات باز داشته شدید در حالی که شتران و گوسفندان خیانت پیشگان از این آب می‌نوشند. و همچنین:

جَرَعْتَهُمْ غُصَصَ الرِّدَى حَتَّى ارْتَوَوْا
وَلَذَعْتَهُمْ بِلَوَاحِ النَّبْرَانِ

(دیوان، ج ۲، ص ۵۶۰)

- به جای آب، مرگ را بر این خاندان نوشانیدی تا اینکه سیراب گشتند و آنها را با لهیب آتش سوزاندی.

مُنِعُوا الْفِرَاتَ وَصُرُّعُوا مِنْ حَوْلِهِ
مَنْ تَائِقٌ لِلوَرْدِ أَوْ ظَمَّانٌ

(همان جا)

ایشان از آب گوارای فرات محروم گشتند و در حالی که تشنه لب و مشتاق نوشیدن آن آب بودند پیرامون آن به خاک غلتیدند.

اگرچه سید مرتضی و دیگر مردمانی که او از آنها سخن می‌گوید در زمان شهادت امام (ع) هنوز پا بر عرصه گیتی نگذارده‌اند اما از نگاه او همه انسان‌هایی که در عرصه کربلا حضور نداشته‌اند - اعم از زنده و مرده - در ماجرای شهادت حسین (ع) درخور سرزنش‌اند. این اندیشه متعلق به مکتبی است که در ادبیات فارسی به آن مکتب واسوخت می‌گویند.

گاهی نیز شاعر از همین عطش امام (ع) و یارانش به عنوان بهانه‌ای برای سرزنش خود و دیگران بهره می‌جوید

أَسْقَى نَمِيرَ الْمَاءِ ثُمَّ يَلْدُ لِي
و دُورُكُمْ أَلَّ الرَّسُولِ خَلَاءُ؟

(همان، ج ۱، ص ۱۵۹)

آیا من آب گوارا بنوشم و آن آب در نظر من لذت بخش باشد درحالی که ای خاندان پیامبر خانه های شما خالی از سکنه است؟

۴-۳-۱-۲. شاعر در رثای خود، امام حسین (ع) را به انسانی بی کس و بی یاور تشبیه می‌کند. در آن جا که پیکر پاک آنها طعمه ددان وحشی می‌شود:

وَطَرَحْتَهُمْ بَدَدًا بِأَجْوَاذِ الْفَلَاحِ لِلذُّبِ آوْنَةً وَلِلْعُقْبَانِ
(دیوان، ج ۲، ص ۵۶۰)

ترجمه: تو پیکر آنان را در دل صحرا بر زمین پراکنده ساختی. گاهی گرگها و گاه عقاب‌ها پیکر آنها را می‌خوردند.

۴-۳-۱-۳. یکی دیگر از جنبه‌های مظلومیت امام حسین و خاندان پیامبر در نگاه شریف مرتضی مورد حسد بودن ایشان و پایمال گشتن حقوق آنها از سوی اشخاص بی‌انصاف است:

لو كان ينصفكم من ليس ينصفكم ألقى إليكم مطيعاً بالمقاليد
حُسدتم الفضلَ لم يُحرزه غيركم والناس ما بين محرومٍ ومحسودٍ
(دیوان، ج ۱، ص ۴۳۸)

- اگر آنان که درباره شما بی انصافی می‌کنند، به عدالت رفتار می‌کردند، زمام امور را به اختیار به شما می‌سپردند.

- شما به سبب برتری‌ای که دیگران نتوانسته‌اند آن را به دست آورند مورد رشک و حسادتید. و انسان‌ها دو گونه‌اند: یا از نعمتی بی بهره‌اند و یا اگر بهره‌مند هستند، مورد رشک و حسادتند.

۴-۳-۱-۴. صبر و بردباری: یکی از مظاهر شخصیت امام حسین (ع) صبر ایشان است. صبر و مقاومت در برابر لشکر بی شمار یزید و تن در ندادن به ذلت، صبر در برابر مصیبت یاران و عزیزان خود و همچنین صبر در برابر تشنگی. شریف مرتضی صبر و استقامت امام (ع) و یارانش را در برابر انحرافات فکری و رفتارهای ناشایست لشکر یزید، در قالب تابلویی زیبا این گونه به تصویر می‌کشد:

و كلُّ كريمٍ لا يلمُ بريئةً فإنَّ سيمَ قولِ الفحشِ قال جميلاً
(دیوان، ج ۲، ص ۳۱۳)

آنان انسان‌های بزرگواری بودند که هیچ‌گاه در راه آرمان خویش دچار تردید نشدند و اگر ناسزا و دشنامی نیز شنیدند با سخنانی نیکو و شایسته پاسخ گفتند. خصوصیات اجتماعی نیز بخش دوم ویژگی‌های شخصیتی ایشان است. که بارزترین آنها دستگیری، هدایتگری، رهبری، امامت و نجات بخشی است. برای نمونه برخی از ابیات شاعر را می‌آوریم:

۴-۲-۱. امام حسین نماد نجات بخشی: امام حسین (ع) همانند جد بزرگوارش مظهر نجات بخشی است و سید مرتضی در برخی ابیات به کوشش‌های پیامبر (ص) برای نجات بنی امیه از گمراهی به سوی هدایت اشاره کرده و آنان را به سبب جفایی که به فرزندش روا داشته‌اند، سرزنش میکند:

و کم نِعْمَ لَجَدَّهِمْ عَلَيْكُمْ لَقَيْنَ بَكْمَ جُحُوداً أَوْ غِمَاطَا
هُمْ أَتَكُونُوا مِرَافِقَكُمْ وَأَعْطُوا جَنُوبَكُمْ النَّمَارِقَ وَالنَّمَاطَا
(همان، ص ۳۷)

ترجمه: چه بسیار نعمت‌هایی که از طرف نیای او به شما رسید اما شما در پاسخ، از پیروی آنها سر باز زدید. آنان در همه حال تکیه‌گاه و یاری رسان شما بودند. و در جایی دیگر نیز به این خاندان یادآوری می‌کند که تنها نجات دهنده آن‌ها پیامبر بوده است:

فَقُلْ لِبَنِي حَرْبٍ وَآلِ أُمِّيَّةٍ إِذَا كُنْتَ تَرْضَى أَنْ تَكُونَ قَوْلَا:
سَلِّتُمْ عَلَى آلِ النَّبِيِّ سَيُوفَهُ مُلَيْنٌ تُلُومًا فِي الطُّلَى وَ فُلُولَا
و قُدْتُمْ إِلَى مَنْ قَادَكُمْ مِنْ ضَلَالِكُمْ وَأَخْرَجَكُمْ مِنْ وَادِيهِ خِيُولَا
و لَمْ تَغْدُرُوا إِلَّا بِمَنْ كَانَ جَدُّهُ إِلَيْكُمْ لَتَحْظُوا بِالنَّجَاةِ رَسُولَا
(همان، ص ۳۱۲)

ترجمه: اگر دوست داری یا اینکه مایل هستی به بنی حرب و آل امیه بگو: شما بودید که شمشیرهایتان را بر آل پیامبر آخته کردید، شمشیرهایی که از ضربات سنگین بر گردن‌هایشان گند یا شکسته شد. و بر روی کسی شمشیر کشیدید که راهنمای شما از گمراهی‌ها و تاریکی‌ها بود کسی که شما را از سرزمین‌های گمراهی‌های رهایی بخشید.

چه نیرنگ‌ها و خدعه‌ها به کسی که رو در روی شما ایستاد تا شما را از گمراهی نجات دهد نکردید همان کسی که نیایش به سوی شما فرستاده شد تا رهایتان بخشد. و نیز در جایی دیگر می‌گوید:

و کم نِعَمٍ لَجَدْتَهُمْ عَلَيكُمْ لَقَيْنَ بَكْمَ جُحُوداً أَوْ غِمَاطَا
هَمُّ أَتَكُونُوا مِرَافِقَكُمْ وَ أَعْطُوا جَنُوبَكُمْ النَّمَارِقَ وَ النَّمَاطَا
وَ هَمَّ سَلَّوْا مَخَارِمَكُمْ وَ مَدَّوْا عَلَي شَجَرَاتٍ دُوْحَكُمُ الْإِلْيَاطَا
(همان، ص ۳۷)

- چه بسیار نعمت‌هایی که از جانب نیای ایشان که بر گردن شماست که شما آنها را انکار کردید و یا ناسپاسی نمودید

- ایشان زمینه آسایش شما را فراهم نمودند و همواره پشتیبان و حامی شما بودند.

- و ایشان نقاط ضعف شما را پوشش دادند و شما را در سایه حمایت خود جای دادند.

شاعر با یادآوری زندگی پیشین اعراب سرنوشت آنان را در صورت نبود محمد(ص) و خاندانش یادآور می‌شود:

لَوْلَاهُمْ كُنْتُمْ لِحِمَاً لَمُزْدَرِدٍ أَوْ خُلْسَةً لِقَصِيرِ الْبَاعِ مَعْضُودٍ
أَوْ كَالسَّقَاءِ بَيْبَساً غَيْرَ ذِي بَلَلٍ أَوْ كَالْحَبَاءِ سَقِيطاً غَيْرَ مَعْمُودٍ
وَلَا شَرِبْتُمْ بَصْفَوِ لَا وَ لَا عَلِقْتِ لَكُمْ بِنَانٌ بِأَزْمَانٍ أُرَاغِيدٍ
دیوان، ج ۱، ص ۴۳۹

- اگر ایشان نبودند شما همچون پاره‌ای گوشت برای فرو برنده آن بودید و یا مانند اموالی بودید که هر انسان ناتوانی می‌توانست آن را برآید.

- یا همانند مشک آبی خشک و یا خیمه‌ای بی ستون و فرو افتاده بودید.

- و هیچ گاه آبی گوارا نمی‌نوشیدید و طعم راحتی و آسایش را نمی‌چشیدید.

۴-۲-۲. امام حسین (ع) مظهر یاری رسانی و دستگیری است، شریف مرتضی با استناد به حدیثی از پیامبر آن را در قالب شعر آورده است:

ایشان فرمودند: «أهل بيبي أمانٌ لأهل الأرض». (القندوزي، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۴۷۴)

و سید مرتضی اینگونه آن را به نظم آورده است:

أَنْتُمْ أَمْنِي لَدَى الْحَشْدِ سر إذا كنتُ نخبيا

(دیوان، ج ۱، ص ۲۱۷)

شما به هنگام رستاخیز، آن گاه که من از هول و هراس قیامت لاغر و رنگ پریده‌ام، موجب امنیت و آرامش خاطر من هستید.

او همانند دیگر شیعیان به شفاعت اهل بیت در قیامت امید دارد:

فَإِنْ يَكُنْ ذَنْبٌ فَقُولُوا لِمَنْ شَفَعَكُمْ فِي الْعَفْوِ أَنْ يَغْفِرَا

(همان، ص ۴۸۹)

اگر گناهی وجود داشته باشد به کسانی که واسطه بخشش شما هستند بگوئید که ما را ببخشایند.

۳-۲-۴. شریف مرتضی در ابیاتی اهل بیت را مظهر امامت، و رهبری و حجت خدا بر مردم معرفی میکند. در این آیات نیز به روایاتی از خود اهل بیت (ع) استناد کرده است:

مَهَابُ الْأَمَلَاكِ أَيْبَاتُهُمْ و مستقرُ المنزلِ المحکم

(دیوان، ج ۲، ص ۴۸۵)

ترجمه: خانه‌های ایشان محل فرود آمدن فرشتگان است و قرآن نازل شده که دارای آیات محکم است در خانه‌های ایشان استقرار یافته است.

این بیت اشاره به روایتی از امام علی (ع) دارد:

أَنَا شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ وَمَوْضِعُ الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ وَبَيْتُ الرَّاحَةِ. (الکلبینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۲۱).

شاعر در جایی دیگر می گوید:

يَا حُجَّجَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَمَنْ بِهِمْ أَبْصَرَ مِنْ أَبْصَرَا

(دیوان، ج ۱، ص ۴۸۹)

- ای دلایل و براهین خداوند بر خلقش و ای کسانی که بصیرت به وسیله شما به خواهندگان آن داده می‌شود.

این بیت برگرفته از روایتی از امام باقر (ع) است که می‌فرمایند: نحنُ حججُ الله في خلقه ونحنُ أئمةُ الهدى و نحنُ مصابيحُ الدجى و نحنُ منارُ الهدى. (ابن بابویه، ج ۱، ص ۲۰۵).

سید ستارگانی که به وسیله آن‌ها راه را در تاریکی دنیا می‌یافته است مورد خطاب قرار داده و می‌گوید:

فيا أنجماً يَهْدِي إلى الله نورُها و إن حال عنها بالغبيِّ غَبَاءُ

(دیوان، ج ۱، ص ۱۵۹)

ای ستارگانی که نور آنها- مردم را- به سوی پروردگار هدایت می‌کند، حتی اگر انسان‌های نادان بخواهند با حماقت خود این نور را خاموش کنند.

أَنْتُمْ كَسَفْتُمْ لِي بِالتَّبَاشِيرِ غِيوِبَا

(همان، ص ۲۱۷)

شما (اهل بیت) هم چون روشنایی صبحدم، تاریکی‌ها را برای من به نور تبدیل می‌کنید. و در جایی دیگر با استناد به حدیثی از امام رضا (ع)، اهل بیت (ع) را به خورشید و ماه تشبیه میکند که این تشبیه نمایشگر دستگیری و نجات بخشی و راهنمایی توسط اهل بیت (ع) است.

امام رضا (ع) می‌فرماید: الإمام كالشمسِ الطالعةِ المجللةِ نورها للعلم و الإمام هو البدر المنير. (القيومي الإصفهاني، ۱۳۷۹، ص ۲۵۴). شریف مرتضی همین مفهوم را در قالب عبارت زیر بیان می‌کند:

فلقد طَوَّينَ شَموسَنَا و بُدورنَا في المَشكلاتِ

(دیوان، ج ۱، ص ۲۹۵)

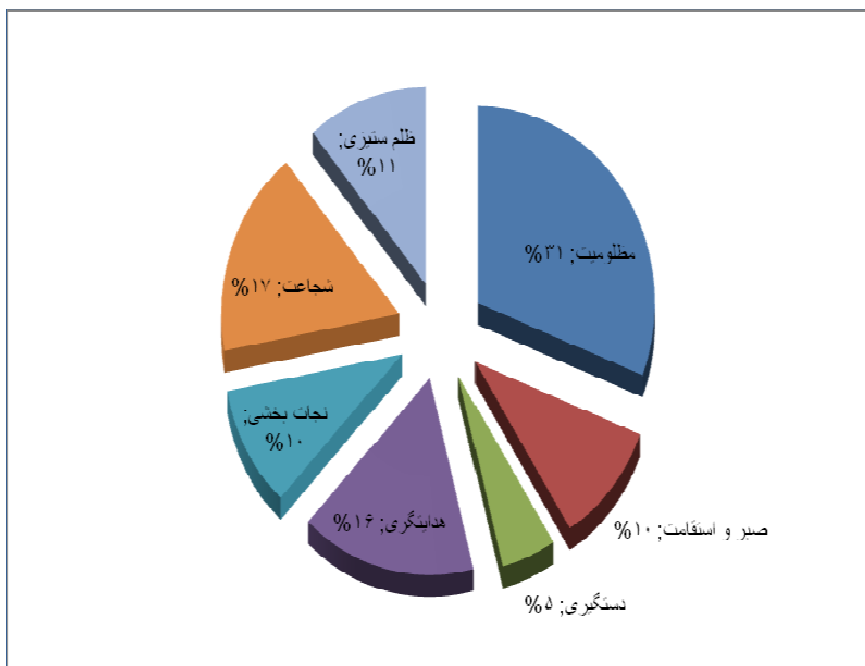
ترجمه: قبور اهل بیت، خورشیدها و ماه‌های هدایت ما در مشکلات- امامان- را در خود جای داده‌اند.

۵. نمودار دایره ای خصوصیات فردی و اجتماعی امام حسین (ع):

۵-۱. روش تحلیل :

از آنجا که این جستار از لحاظ آماری جزء پژوهش‌های کمی به شمار می‌آید؛ در تحلیل داده‌ها از روش تجزیه و تحلیل توصیفی که بهترین روش در پژوهش‌های کمی است، استفاده شد؛ برای این کار ابتدا به بررسی دیوان شریف مرتضی از طریق شمارش ابیات

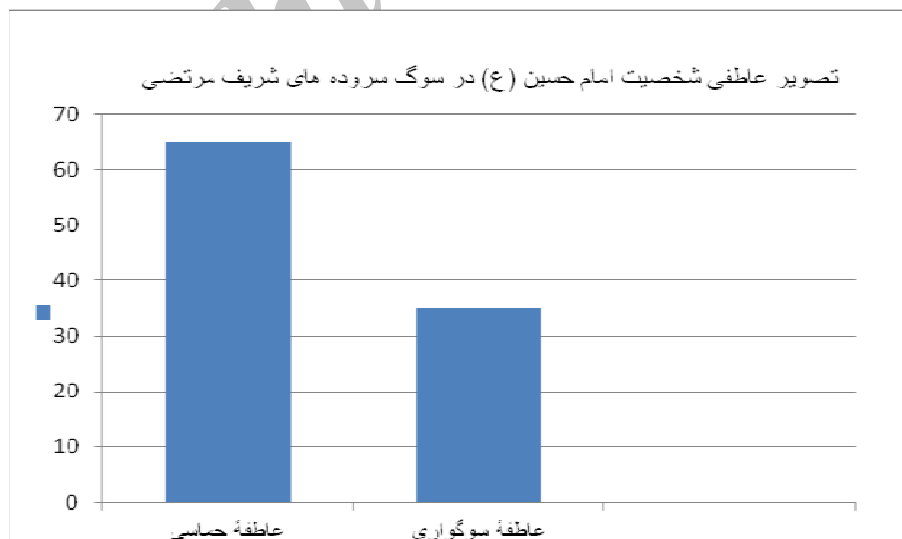
درب‌گیرنده خصوصیات فردی و اجتماعی امام (ع) پرداختیم. سپس از میان ویژگی‌های مختلف، داده‌هایی در قالب دو بخش فردی و اجتماعی، طبقه بندی گردید. بعد از گردآوری داده‌ها و طبقه‌بندی از طریق نرم افزار excel اقدام به تجزیه و تحلیل آنها نموده و از طریق نمودار دایره‌ای فراوانی هر داده مشخص شد.



با توجه به این نمودار می‌توان دریافت که ویژگی‌های فردی امام حسین (ع) درصد بیشتری از شعر شریف مرتضی را به خود اختصاص داده است. همان‌طور که نمودار نشان می‌دهد نزدیک به 70٪ از این خصوصیات فردی و 30٪ دیگر به خصوصیات اجتماعی امام (ع) اشاره دارد. از بین خصوصیات فردی، مظلومیت و سپس شجاعت بیشترین درصد از شعر و نمودارها را تشکیل می‌دهد. البته آن دسته از اشعار رثایی شاعر که گریه بر آثار به جا مانده از اهل بیت (ع) و تحسر و اندوه بر مصیبت‌های آنها را به خود اختصاص داده است، نمی‌تواند از خصوصیات فردی و اجتماعی امام (ع) به شمار آید از این رو از آوردن آنها در قالب نمودار صرف نظر کرده‌ایم.

۶. تصویر عاطفی شخصیت امام حسین در مرثی‌های شریف مرتضی:

منظور از عاطفه، اندوه یا حالت حماسی یا اعجابی است که شاعر از رویداد حادثه‌ای در خویش احساس می‌کند و از خواننده یا شنونده می‌خواهد که با وی در این احساس شرکت داشته باشد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۱، ص ۲۴). این عاطفه می‌تواند عاطفه خشم، انتقام، اندوه، عشق، احترام، شور و حماسه و... باشد. اگر این عواطف را در سوگ سروده‌های شاعر به دو دسته: ۱- عاطفه سوگواری ۲- عاطفه حماسی تقسیم کنیم در می‌یابیم که سید مرتضی به عنوان متفکری بزرگ و شخصیتی که مکتب فکری او یکی از پایه‌های اصلی فقه شیعه به شمار می‌آید، بیشتر به دنبال ایجاد احساس حماسی و شور انقلابی بر اساس عقلانیت در مخاطب خویش است. پرداختن به شخصیت جهادگر و انقلابی امام(ع) در کنار تبیین فلسفه قیام عاشورا همراه با دعوت به اندیشه و تفکر، از مواردی است که غلبه عاطفه حماسی بر عاطفه رثایی را در منظومه فکری شاعر نشان می‌دهد. این در حالی است که عاطفه رثایی نیز در جای جای سوگ سروده‌ها جاری است. با این تفاوت که سید مرتضی برخلاف بسیاری از شاعران عاشورایی تنها به دنبال تهییج و صرف برانگیختن احساسات آنی و زودگذر مخاطب - هر چند صادقانه و حقیقی- نیست بلکه او را با خود در اندیشیدن به ژرفنای فلسفه جنبش عاشورا همراه می‌کند.



۷. نتیجه:

سید مرتضی در کنار فقاقت، شاعر بزرگی هم بوده است. او با تلفیقی زیبا از ماجرای شهادت حسین بن علی (ع) با شعر و تقلیدی ماهرانه از شاعران بزرگ ادب عربی توانسته است اشعار کم نظیری را در سوگ امام شهیدان (ع) و یارانش بسراید. با توجه به ابیات بررسی شده در رثای امام حسین (ع) و تحلیل آنها این موارد نتیجه می‌شود:

۱- از زاویه دید سید مرتضی، امام حسین نماد ویژگی‌هایی چون: ظلم ستیزی، شجاعت، مظلومیت، هدایتگری و... است.

۲- ویژگی‌هایی که شاعر برای امام (ع) قائل است دارای دو جنبه فردی و اجتماعی است.

۳- فراوانی و تنوع این ویژگی‌ها از نظر آمار تحلیلی و توصیفی در قالب نمودار دایره-ای قابل نمایش است.

۴- ویژگی‌های فردی امام حسین بیشتر از ویژگی‌های اجتماعی وی، نگاه سید مرتضی را به خود مشغول داشته است.

۵- در سوگ سروده‌های شاعر عاطفه حماسی بر عاطفه سوگواری غلبه دارد.

۶- گریستن و گریاندن در منظومه فکری سید مرتضی امری هدفمند است و غایت نهایی آن واداشتن مخاطب به غور و اندیشه در هدف این جنبش خونین است.

منابع و مأخذ:

آذر، امیراسماعیل، میراث عشق، تهران، نشر پیک علوم، ۱۳۸۱ ش.
الأمین، سید محسن. أعيان الشيعة، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ ق.
ابن الجوزي، عبدالرحمن، المنتظم في تاريخ الملوك و الأمم، حیدرآباد الدکن، مطبعة دائرة المعارف العثمانية، ۱۳۵۷ هـ ق.

ابن عنبه، أحمد بن علی، عمدة الطالب في أنساب آل أبي طالب، تهران، انصاریان، ۱۳۷۵ ش

ابن منظور، جمال الدین، لسان العرب، بیروت، دارصادر، ۱۹۵۵ م.

الثعالبي، عبدالملک بن محمد، یتیمه الدهر في محاسن أهل العصر، القاهرة، مطبعة السعادة، ۱۳۷۷ هـ

جعفری، محمد مهدی، سید رضی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۸ ش.

- الجوهري الفارابي، اسماعيل بن حماد، **الصحاح**، بيروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۹۹۹م/۱۴۱۹هـ - خزعلي، انسيه، امام حسين (ع) در شعر معاصر عربی، تهران، اميركبير، ۱۳۸۳ش.
- خوانساری، محمدباقر، **روضات الجنات في أحوال العلماء والسادات**، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۶.
- دوانی، علی، سيد رضی مؤلف نهج البلاغه، تهران، بنياد نهج البلاغه، ۱۳۵۹ش.
- الرافعي، مصطفى الصادق، **تاريخ آداب العرب**، بيروت، دارالكتاب، ۲۰۰۵م/۱۴۲۵هـ - الزبيدي، مرتضى، **تاج العروس**، لبنان، دارالفكر، ۲۰۰۲م.
- زرين كوب، عبدالحسين، شعر بی دروغ، شعر بی نقاب، تهران، نشر علمی، ۱۳۷۱.
- شفيعی كدكنی، محمدرضا، **صور خیال در شعر فارسی**، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۷۱ش.
- ضيف، شوقي، **الثناء**، القاهرة، دارالمعارف، ۱۹۵۵م.
- القندوزي الحنفي، سليمان بن ابراهيم، **ينابيع المودة لذوي القربى**، قم، دارالأسوة، ج ۲، ۱۴۲۲ق.
- القيرواني، الحسن بن رشيق، **العمدة في محاسن الشعر و آدابه و نقده**، بيروت، دار الجيل، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م.
- القبومي الاصفهاني، جواد، **صحيفة الرضا**، دفتر نشر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ج ۳، ۱۳۷۹ش.
- كرمی، اكرم، **عرفان در ادبيات عاشورایی**، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۹ش.
- الكليني، محمد بن يعقوب، **الكافي**، انتشارات اسلامي، ج ۳، ۱۳۶۵ش.
- الشريف المرتضى، أبوالقاسم علي بن أحمد، **ديوان الشريف المرتضى**، شرح محمد التونجي، بيروت، دار الجيل، الطبعة الأولى، ۱۹۹۷م.
- الهاشمي، السيد أحمد، **جواهر الأدب**، بيروت، مطبعة السعادة، ۱۹۴۳م.
- مقاله‌ها:
- انصاری، نرگس، **سیمای امام حسین در شعر عاشورایی معاصر فارسی و عربی**، ادبیات تطبیقی، ش سوم، ۱۳۸۹ش.
- جنتی فر، محمد، **ادبیات و رثای حسینی و عاشورایی**، پژوهش های دینی، ش پنجم، ۱۳۸۵ش.
- مردانی، فیروز، **مرثیه سرایی در ادبیات فارسی**، کیهان فرهنگی، ش ۱۹۷، ۱۳۸۱ش.